

هو الحکیم\*

عنوان:

نیاز به حجت الهی برای تعقل درست در هستی شناسی



دکتر وحید باقر پورکاشانی



سرایتہاگی SERATEHAGHI

انبیاء که تشریف می‌آورند، يك قسمت

از فرمایشات‌شان تأکید بر فطرت و عقلانیت است؛ که در حقیقت این‌ها جهت تذکر دارد. يك قسمتش این است که انسان با این فطرت و با این عقلش نمی‌تواند به آن‌ها برسد، و آن امور غیبی است! مثلاً اینکه عالم برزخی خواهد بود؛

آیا وجود عالم برزخ را با عقل می‌شود اثبات کرد؟!

آیا وجود عالم برزخ را با فطرت می‌شود اثبات کرد؟!

ممکن است که اصلاً برزخی نباشد هر کسی بمیرد، یا به بهشت

کبری برود یا جهنم کبری! مدتی در جهنم کبری باشد، وقتی

آمرزیده شد وارد بهشت شود! نیازی نیست عالم برزخی باشد!

عقل می‌گوید ممکن است باشد ممکن است نباشد! فطرت

هم چنین چیزی حکمی نمی‌دهد! وجدان هم حکم نمی‌دهد!

مسأله‌ای به مانند برزخ، یا عوالمی قبل از این عالم، با عقل

دسترسی به آن نداریم! مسائل مختلفی مثل احتضار،

مثل فشار قبر، مثل سؤال قبر، این‌ها همه امور غیبی هستند.

مثل ملائکه، ایمان به ملائکه؛ يك جبرئیلی هست،

عزرائیلی هست، اسرافیلی هست،

از کجا می‌فهمیم؟! برای ما قابل درک نیست! يك قسمتی از این‌ها علوم وحیانی است، یعنی علوم غیبی وحیانی هست؛ يك قسمتی هم وحیانی اما از باب تذکر هست. اگر چنانچه خداوند انبیاء را نفرستد، بشر نمی‌تواند به آن مقداری که غیبی است دست پیدا بکند! حتی اموری هم که عقلی می‌شود به آن رسید، باز هم از باب تَعَلُّمٍ مِنْ ذِي عِلْمٍ نیازمند به استاد دارد. آیا مثلاً هر کسی که عقل دارد می‌تواند با عقل اثبات خدا بکند و به خیلی چیزها برسد؟ نه! ما می‌بینیم خیلی از این آتئیست‌ها هستند عقل هم دارند، همین عقل را در جهت ضد خدا استفاده می‌کنند! در اینجا انسان با عقل خودش می‌تواند به فرمول‌های انتگرال و مشتق دست پیدا بکند، اما بعید است که بدون اسناد بتواند برسد! محال نیست! استاد چه کار می‌کند؟ از باب تَعَلُّمٍ مِنْ ذِي عِلْمٍ، پله‌پله ریاضی را درس می‌دهد؛ تعبد هم در کارش نیست! نمی‌گوید چون من استاد هستم شما باید انتگرال را بپذیری!

مشتق را پذیری! نه! می گوید من دارم

روش را به تو می گویم، روش را نگاه می کنی با عقلت هم  
می سنجی، می بینی منطقی هست یاد می گیری! اما بدون استاد  
بعید است! حالا ببینید يك چیزهایی هست عقل انسان می فهمد،  
ولی بدون انبیاء بعید است که انسان برسد! اما اگر چنانچه  
نبی باشد، نبی هم نمی گوید تعبد بکن! استدلال اقامه می کند!  
خب این می تواند که درست راه خودش را پیدا بکند؛ مثل يك  
استاد ریاضی. بنابراین ممکن است يك چیزهایی هم انسان با عقل  
برسد، اما باز هم نیازمند به نبی است! نیازمند به سفیر است!  
نیازمند به وصی است! نیازمند به حجت خدا است! تا او را ارشاد  
و راهنمایی بکند! يك سری امور هم هست که اصلاً راه ندارد  
و آن امور غیبی است! هر چه ما بگوئیم حرف گزافه گفتیم!  
بگوئیم برزخ هست، گزافه گفتیم بگوئیم نیست گزافه گفتیم!  
ممکن است باشد ممکن است نباشد! سؤال قبر هست یا نیست؟  
می گوید ممکن است سؤال قبر باشد ممکن است نباشد!  
فشار قبر وجود دارد؟ ممکن است فشار قبر باشد یا نباشد!

عدیله‌ی عندالموت، احتضار، و خیلی از این مسائل  
ممکن است باشد ممکن است نباشد! عقل می‌گوید  
امکان دارد، استحاله ندارد! وجوب هم ندارد! آن‌ها را باید چه کسی  
حکم بکند؟ نبی! از طرف خدا باید سفیر بیاید حکم بکند.  
حالا ببینید این سری مسائل را که در نظر می‌گیریم، يك نفر  
گوید که آقا ما می‌توانیم تزکیه بکنیم، این چیزها به ما وحی شود!  
این حرف اشتباهی است! به خاطر اینکه آن چیزی که به‌عنوان  
وحی یا خواب یا کشف در نظر می‌گیری، شیطان در آن می‌تواند  
دخالت کند! پس می‌تواند رحمانی باشد می‌تواند شیطانی باشد!  
اینکه رحمانی یا شیطانی باشد، نیاز به میز دارد!  
عقل که نمی‌تواند امور غیبی را حکم بکند!  
می‌گوید ممکن هست! یحتمل!  
اینجا وحی است که باید باشد؛ امور غیبی در  
خصوص وحی نبی و وصی باید باشد  
که آن کشف و خوابش را عرضه کند  
ببیند این مطلب درست است یا نادرست!